

#۸۰۴ مدرسه در پایتخت

باید بازسازی شود

تعداد کلاس‌اولی‌های تهران ۵ هزار نفر کمتر از سال قبل

جامعه پدیا

مدارس زیادی در پایتخت با وجود تمام مراکز آموزشی نوساز، نیازبه بازسازی و مقاوم‌سازی دارند. امسال کاهش جمعیت دانش‌آموزی در تعداد کلاس‌اولی‌های تهران خود را نشان داد. خروج اتباع و توسعه فضاهای آموزشی هم باعث شد که تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس پایتخت کمی کمتر شود اما هنوز هم کلاس‌های درس پایتخت شلوغ‌تر از شهرستان‌های استان تهران هستند. بنا به آماري که مجید پارسا، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران اعلام کرد پایتخت همچنان با مشکل جمعیت زیاد دانش‌آموزان روبرو است.

۵۰۰۰ نفر

کاهش تعداد دانش‌آموزان تهران که امسال در پایه اول ثبت‌نام کرده‌اند

یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر

تعداد کل دانش‌آموزان شهر تهران در سال تحصیلی گذشته

۳۳/۵ نفر

تراکم دانش‌آموزی در مدارس پایتخت در سال تحصیلی گذشته

۳۱/۲ نفر

تراکم دانش‌آموزی در مدارس پایتخت در سال تحصیلی جاری

۲۹/۲ نفر

تراکم دانش‌آموزی در مدارس شهرستان‌های استان تهران

۲۶ نفر

استاندارد تراکم دانش‌آموزی هر کلاس در پایه ابتدایی

«هیچ ممنوعیت اردویی زیارتی، سیاحتی، آموزشی و... در کشور وجود ندارد. ممکن است در بعضی مناطق خاص ابلاغیه موقت صادر شده باشد ولی ممنوعیت کلی برگزاری اردو نداریم و از هرگونه اردو که در راستای قوانین و اهداف پرورشی باشد، کاملاً استقبال می‌کنیم.»

اردوی برون مرزی عراق

در سال‌های قبل هم کاروان‌های دانش‌آموزی به راهپیمایی اربعین اعزام می‌شدند اما کسب مجوز برای این کار آسان نبود زیرا روال کاری ثابت نداشت. صادق حسین‌زاده ملکی، معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش در این باره به همشهری می‌گوید: «در گذشته دستورالعمل اردوی‌های آموزش و پرورش، موضوع راهپیمایی اربعین را پیش‌بینی نکرده بود و در چند سال گذشته به شکل موردی و با کمک وزیر محترم مجوز این اردوها صادر می‌شد. امسال توانستیم اردوهای برون مرزی اربعین را به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسانیم تا این اردوها طبق سازوکار مخصوص به‌خود مجوز بگیرد. الان مدیران و مربیانی که می‌خواهند اردوی اربعین برگزار کنند می‌توانند رسماً برای این کار درخواست بدهند؛ کما اینکه در کل کشور هم در حال انجام است.» او با تأکید بر اینکه دبیرخانه مجموعه فعالیت‌های اربعین در معاونت پرورشی است، بیان می‌کند: «هنوز مراسم راهپیمایی اربعین دانش‌آموزی به پایان نرسیده و در بعضی از موارد شروع هم نشده است بنابراین آمار آن نامشخص است اما می‌توانیم بگوییم که نه فقط امسال بلکه در سال‌های گذشته هم مسیر راهپیمایی اربعین از حضور دانش‌آموزان خالی نبوده است. دوشنبه از موب‌ک‌های آموزش و پرورش در استان خوزستان بازدید کردیم. این موب‌ک‌ها با ظرفیت‌های مردمی ولی با پشتیبانی و سازماندهی وزارت آموزش و پرورش برپا شده است.»

هیچ اردویی ممنوع نیست

مراکز اقامتی و امکانات حمل‌ونقل دانش‌آموزان در سراسر کشور زیرساخت بزرگی برای برگزاری اردوها فراهم کرده است اما اتفاقاتی در سال‌های گذشته رخ داد که باعث تغییرات در برنامه آموزش مدارس و مجازی شدن کلاس‌ها شد. در این شرایط چه جایی برای برگزاری اردوها باقی می‌ماند؟ حسین‌زاده ملکی می‌گوید: «غفلت از اردوهای دانش‌آموزی ظلم به دانش‌آموزان و بی‌توجهی به ظرفیت‌های موجود است. ما تلاش کردیم از یک طرف موانعی را که در مسیر برگزاری اردو بوده رفع کنیم و از طرف دیگر با استفاده از اعتباراتی که داریم اردوگاه‌ها را بازسازی و بهسازی کنیم و از امکانات دیگر دستگاه‌های پشتیبان هم بهره ببریم.» او تأکید می‌کند: «هیچ ممنوعیت اردویی زیارتی، سیاحتی، آموزشی و... در کشور وجود ندارد. ممکن است در بعضی مناطق خاص ابلاغیه موقت صادر شده باشد ولی ممنوعیت کلی برگزاری اردو نداریم و از هرگونه اردو که در راستای قوانین و اهداف پرورشی باشد، کاملاً استقبال می‌کنیم.»

در راه دیدار جنوب

با گسترش جنگ از تنگه هرمز به استان‌های جنوبی کشور و شهادت هبوطان، موجی از حمایت‌های مردمی از «جنوب» به راه افتاد اما به راستی چند نفر از دانش‌آموزانی که در استان‌های میانی و شمالی کشور زندگی می‌کنند از جمله دانش‌آموزان تهرانی تاکنون «جنوب» یا «ساحل خلیج فارس» را دیده‌اند؟ آیا اردوهای دانش‌آموزی زمینه‌ای برای آشنایی این دانش‌آموزان با این بخش از پیکره بزرگ کشور ایران ایجاد خواهد کرد؟ معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: «برگزاری اردوی جنوب برای دانش‌آموزان کشور جزو اولویت‌های ماست و جلسات و هماهنگی‌هایی هم برگزار شده است. البته در زمان فعلی به‌دلیل شرایط ویژه مناطق جنوبی کشور امکان اجرای اردو فراهم نیست و بهتر این است که این برنامه تقریباً همزمان با اردوهای راهیان نور و در فصل مناسب آن برگزار شود.» او در این باره تأکید می‌کند: «معاونت پرورشی در ۳ سطح برای بیشتر شدن و بهبود برگزاری اردوهای دانش‌آموزی فعالیت می‌کند. یکی اینکه تسهیلگری کند تا اعزام‌های دانش‌آموزی و فرهنگیان بهتر رقم بخورد و روان‌تر و مؤثرتر انجام شود، دیگری حمایت و پشتیبانی با امکاناتی که در اختیار داریم و سطح سوم نیز محتوای تربیتی و پرورشی این اردوهاست. اکنون محور محتوای تربیتی معاونت پرورشی تمرکز بر پیام «پای در خاست» است که شعار تشیع رهبر شهید بود.»



ماکت موشک ایرانی در موبک عراقی

در راهپیمایی اربعین امسال، موبک‌های عراقی دست به خلاقیت خاصی زده‌اند و در روزهای اخیر، بارها و بارها تصاویری از موبک‌های عراقی منتشر شده است که ماکتی از موشک‌های ایرانی

نصب این ماکت‌ها، پذیرایی موبک طایفه آل صلاب در استان سیمناوه عراق با سفرهای که به شکل موشک‌های ایرانی طراحی شده بود، در نوع خود جالب بود و توجه بسیاری را جلب کرد.

بر سردر شان نصب شده است. در واقع موشک‌ها و پهپادهای ایرانی پای ثابت موبک‌های اربعین شده‌اند و مردم عراق تلاش دارند که از این طریق همدلی خود را با مردم ایران نشان دهند. در کنار



جست‌وجوی پاره‌پیکرها در میناب

نخستین روایت تفحص کنندگان و غسالان دانش‌آموزان شهید مدرسه شجره طیبه در گفت‌وگو با همشهری

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | با صدای انفجار موشک‌ها به چشم برهم‌زدنی در حیاط پراکنده شدند؛ نه خودشان که تکه‌وپاره‌های تن و بدن نازنین‌شان زیر و روی خروارها آوار. روز ۹ اسفند، ساعت حوالي ۱۰:۳۰، این منظره را همه میناب دید؛ همه آنها که یک نفس تا مدرسه شجره طیبه دویده بودند. میان آنها پسرای بودند کسانی که از دفاعی پس از موشکیاران دست‌به‌کار سوگ ۱۶۸ شهید شدند، آواربرداری، آرام‌کردن پدران و مادران به خاک‌افتاده و بعدتر نیز غسسل و کفن پیکر دانش‌آموزان شهید و تفحص پاره‌پیکرهای باقیمانده از شهید برآوار. گزارش زیر در گفت‌وگو با جمعی از غسالان و تفحص‌کنندگان شهدای میناب تنظیم شده که برای نخستین‌بار به روایت آن روزها و ساعت‌ها پرداخته‌اند.

پاره‌پاره به غسل آمدند

کمی بعد از انفجار موشک‌ها کار برداشتن آوار شروع شد؛ آوارهای داغ و سنگین که زیرشان پاره‌های خونین پیکر بوده‌دست، یا سر یا باقی اعضای بدن. ساعت‌های نخست، آواربرداری به‌صورت دستی انجام شد. همان وقت هم بود که بلوک سیمانی سنگینی پای پدر یکی از دانش‌آموزان شهید را که اشک‌برزان لابه‌لای فروریخته‌های مدرسه دنبال پسرش می‌گشت، قطع کرد. ۴۰ ساعت بعد اهالی میناب با جرقه‌یل، بیل مکانیکی، لودر، فیچی این‌بر، دستگاه برش واره‌های برقی به کمک آمدند. پاره‌پیکرها میان کاور سیاه اجساد، پشت ۱۲ مبولاس و کف چند ماشین یخچالی گذاشته شد به مقصد تنها بیمارستان میناب، بیمارستان حضرت ابوالفضل (ع). روی نیمی از کاورها چیزهایی نوشته شده‌بود: «یک دست با ۳ انگشت»، «پسر، با جوراب بتمن» و «امشخص». عبدالله امیری از اهالی میناب به همشهری می‌گوید: «گفتنش سخته، ولی تعداد بدنی تکه‌تکه خیلی بیشتر از ۸ کشوی جسد سردخونه بیمارستان و ۵ کشوی جسد سردخونه قبرستون میناب بود. برای همین پیکسرا رو بردن ۱۵ کیلومتر دورتر، تو به سردخونه صنعتی». عبدالله از آغاز جنگ تحمیلی سوم تا امروز داوطلب انجام هر کاری در ارتباط با دانش‌آموزان شهید میناب بوده‌است؛ حتی غسل و کفن پاره‌های پیکرها، «هف بیشتر پیکری رو که همون یکی، دو روز اول شناسایی شده بودن، غسل و کفن کردیم و گذاشتیم توی تونل انجماد. مابقی رو هم بعد از آزمایش دی‌ان‌ای غسل و کفن کردیم.» کمی هم از حال‌وهوای آن روزها در سردخانه صنعتی می‌گوید: «به فضای رو تو اون سردخونه مثل غسالخونه درست کردیم و حدود ۳۰ زن و مرد اونجا شیفته مشغول شست‌وشوی بدن کوچیک بچه‌ها شدیم. خیلی از اون بچه‌ها رو می‌شناختم؛ با بعضیاشون همسایه بودیم و با بعضیاشون هم قوم‌خویشی دوری داشتیم. امان از روزی که داشتم پای احسان رو غسل می‌دادم. احسان گلزن تیم فوتبال محل بود.»

چشمان تر و دستان جست‌وجوگر

آوارهای مدرسه شجره طیبه را برمی‌داشتند و می‌گذاشتند در زمینی بزرگ و خالی که ۱۰۰ متر دورتر از آن بود. این را سسمیه قریشی، از غسالان دانش‌آموزان شهید برای مقدمه به همشهری می‌گوید تا به اصل حرفش برسد: «مرحله دوم جست‌وجو و تفحص پیکراتوی اون زمین و وسط آوارایی که از مدرسه منتقل کرده‌بودن انجام می‌شد. من و شوهرم همراه به تعداد از اهالی رفتم سر اون زمین تا دنبال بقایای جامونده بگردیم. البته از وسطای کار من رفته غسالخونه ویژه دخترای شهید. ۷۰ درصد تفحص کنندگان از نیروهای جهادی و بومی میناب بودند که اصول اولیه عملیات جست‌وجوی اجساد را از طلبه‌های داوطلب قمی یاد گرفته بودند؛ «کار تفحص از حوالی غروب که گرما می‌کسکت، شروع می‌شد و تا نصفه‌شب با بیلچه و پُرسای کوچیک، آروم آروم آوارا روز بروز می‌کردیم. وقتایی که کسی به تیکه از پیکر پیدا می‌کرد، نمی‌دوست زاری بیشتر می‌شد.» صدای ششون و زاری بعضی دیگر از والدین دانش‌آموزان شهید از پشت درهای بسته غسالخانه صنعتی نیز شنیده می‌شد. قریشی هم در غسل و کفن شهدا که روزهای نخست جنگ تشیع شدند، مشارکت داشته و هم در غسل و کفن بقایای پیکرهای تازه تشیع شده؛ «دست دختر بچه‌ای رو غسل دادم که مادرش اون روز ناخوناش رو روز قبل از شهادت، خودش کج و معوج کوتاه کرد.»

یک تکه کفن برای یک پاره‌پیکر

مریم میردادی نیز جزو غسالان شهدای شجره طیبه است که خواهر و ۲ خواهرزاده‌اش در مدرسه به شهادت رسیده‌اند؛ «اول پاره‌های کفنی رو قیچی می‌زدیم اما نه به قد کامل به آدم یا به بچه؛ به اندازه یه نیم‌تنه، به سر، به مچ تا نوک انگشتای دست.» میردادی ادامه می‌دهد: «تعداد پسرای شهید شجره طیبه بیشتر از دخترای شهید. بدناشون هم تکه‌تکه‌تر بود؛ چون کلاسیا پسر و نه طبقه اول مدرسه قرار داشتن و همه آوار انفجار ریخته رو سر اونا.» میردادی این را می‌گوید تا به خواهرزاده‌اش برسد: «علی سالاری: «شناساییش برای باباش سخت بود و مامانش هم که خودش تو همون مدرسه شهید شده بود. من مونده بودم و به عالمه پاره پیکرای کوچیک و شبیه هم.»

